

## شعر

### میثم روایی دیلمی

تصویرها،  
تویِ سرم،  
رؤیا...

بی جاست باد  
و موی تو، جریان،  
جا  
روی سینه‌ی تو  
تا گیرد  
جا رویِ شانه‌ی باد بیفتد  
و رویِ سینه‌ی تو  
حرکتِ باد  
ظرافتِ تردید را  
از چشم‌هام، تویِ دو دستم، بردارد.

در چشمِ تو جای گیرم

در تصویر،

رگ‌های چشم‌هام، تویِ دو دستم،

با مویِ تو

خون را میانِ سینه

و نوکِ پستانِ تو،

بریزد

حدقه‌ی خالی،

جایی برای چشم،

جایی برای دست

بگشاید.

باد

بردارد از قفا برشانه جای را

با مویِ تو ببرد

تویِ شکافِ حدقه تویِ جمجمه بگردد

بارعشه‌های دیدن‌ام

تصویرهایِ تویِ سرم

ابریشمِ خیالِ تو پردازد،

و نوکِ پستانِ تو در دهان

چشم‌هام در دهان

رگ در دهان

تصویرهایِ ململِ رؤیام در دهان،



mo2.com

دندان به هم      بفشارد،  
جریان به جا و به بی جا  
جریان به شانه‌ها ت      بیفتد،  
و روز      برآید.

سیزدهم مهرماه ۱۴۰۱